

«به نام خدا»

در برنامه ۹۳۵ آقای شهبازی این جمله را فرمودند که «سبک زندگی با خرد کل» و این متن مقایسه‌ای است بین این سبک زندگی با سبک زندگی با عقل جزوی یا من‌ذهنی.

به‌طور کلی می‌توانیم روابط خود را در این جهان به چهار دسته تقسیم کنیم:

- ۱: در رابطه با خود
- ۲: در رابطه با دیگران
- ۳: در رابطه با خدا
- ۴: در رابطه با جهان و طبیعت

۱: در رابطه با خود در سبک زندگی با خرد کل ما خود را به‌عنوان امتداد خداوند و از جنس او شناسایی می‌کنیم که لایق کرامت و بزرگواری‌ست.

من از عدم زادم تو را بر تخت بنهادم تو را
آینه ای دادم تو را باشد که با ما خو کنی
-مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۴۳۶

اما در رابطه با خود براساس من‌ذهنی ما خود را به‌عنوان هشیاری جسمی و ذهنی شناسایی کرده و در زندان ذهن پردرد و افسرده می‌مانیم.

جان، همه روز از لگدکوب خیال
وز زیان و سود، وز خوف زوال
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۴۱۱

نی صفا می‌ماندش، نی لطف و فر
نی به سوی آسمان، راه سفر
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۴۱۲

۲: در رابطه با دیگران براساس سبک زندگی با خرد کل، ما همان یک هشیاری الهی و زندگی را در همه انسان‌ها شناسایی کرده و احساس جدایی نداریم.

منبسط بودیم و یک جوهر همه
بی سر و بی پا بدیم، آن سر همه
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۶۸۶

یک گهر بودیم همچون آفتاب
بی گره بودیم و صافی همچو آب
-مولوی، مثنوی، دفتر اول، بیت ۶۸۷

در رابطه با دیگران براساس من‌ذهنی ما انسان‌ها را جدای از خود می‌دانیم و مدام با مسئله‌سازی و مانع‌بینی و دشمن‌سازی، روابط خود را با دیگران به درد می‌اندازیم.

۳: در رابطه با خدا براساس خرد کل انسان در درون خود خدای خود را می‌یابد و یک هشیاری الهی سراسر رحمت اندر رحمت را تجربه می‌کند.

نقش من از چشم تو آواز داد
که منم تو، تو منی در اتحاد
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۰۳

اما در رابطه با خدا براساس من‌ذهنی اعتقاد به یک خدای ذهنی و بیرونی که از بچگی ما را از او ترسانیده‌اند. (در داستان سلطان محمود و غلام هندو)

من همی لرزیدمی از بیم تو

غافل از اکرام و از تعظیم تو
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۱۳۹۸

۴: در رابطه با طبیعت و جهان بیرون براساس سبک زندگی و خرد کل، انسان موحد و عاشق بر کل هستی عشق می‌ورزد و در حال پخش عشق و لطف و آبادانی است.

آمد شرابی رایگان، زان رحمت، ای همسایگان
وان ساقیان چون دایگان شیرین و مشفق بر ولد

ای دل ازین سرمست شو، هر جا روی سرمست رو
تو دیگران را مست کن تا او تو را دیگر دهد

-مولوی، دیوان شمس، - غزل شماره ۵۳۷

اما در رابطه با طبیعت و جهان بیرون براساس سبک زندگی با عقل جزوی و من‌ذهنی، انسان مدام به تخریب طبیعت و خرابی در جهان بیرون می‌پردازد.

کزرو و شب‌کور و زشت و زهرناک
پیشه او خستن اجسام پاک
-مولوی، مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۱۴۳۱

با تشکر
خانم طاووس از تهران